

عهد و گفتگو

تفسیر پاراشای هفته
توسط ربای ساکس



"من باور دارم" - تفسیرهای تورات از ربای لرد جاناتان ساکس در سال ۵۷۸۰

پاراشای هفته: امور ۵۷۸۰

یقین بنیادی

Rabbi Lord Jonathan Sacks

Emor 5780

Radical Uncertainty

جشنواره سوکوت [سایان ها] نکته ای شگرف دربردارد که پاراشای این هفته خاستگاه اصلی آن است. از یک سو این جشنواره با شادمانی بزرگی همراه است. تنها همین جشنواره که در پاراشای این هفته آمده، به شادمانی اختصاص دارد: "و در پیشگاه خداوند، خدای خود به مدت هفت روز شادمانی کن" (لاویان ۲۳:۴۰). در کل تورات، به هیچ رو در ارتباط با رش هسانا، یوم کیپور یا پسخ نامی از شادمانی برده نشده، اما یک بار در ارتباط با شاووعوت و سه مرتبه در مورد سوکوت به شادمانی اشاره می شود. نام سوکوت همچون *zeman simchatenu* یا جشنواره شادمانی ما از همین جا برمی خیزد.

از سوی دیگر، این پاراشا یکی از منفی ترین عوامل دوران سرگردانی در بیابان را یادآور می شود: "هفت روز در سایبان ها زندگی خواهی کرد؛ همه افراد اسرائیل در سایبان ها خواهند زیست تا نسل های آینده بدانند که بنی اسرائیل را پس از خروج از مصر در سایبان ها اسکان دادم، من هستم خداوند، خدای تو." (لاویان ۴۳-۴۲:۲۳)

به مدت چهل سال بنی اسرائیل بدون داشتن خانه های ثابت و با کوچ های پی در پی زیستند. آنها در بیابان و فضای نامسکونی بودند که در آن به سختی می توان از خطرهای کمین کرده در مسیر خبر داشت. به یقین، مردم زیر حفاظت الهی بودند. اما آنها هیچ گاه پیشاپیش نمی توانستند از این حفاظت مطمئن باشند و بدانند که چگونه خواهد بود. آنها دورانی طولانی از ناامنی را گذراندند.

پس چگونه بفهمیم چرا از میان همه جشنواره ها، سوکوت جشنواره شادمانی نامیده شده است؟ معنا می داد اگر پسح را که جشن تولد آزادی بود، جشنواره شادمانی می نامیدند. معنا می داد اگر شاوووعوت را که روز وحی در کوه سینا بود، جشنواره شادمانی می نامیدند. اما چرا باید این عنوان را به جشنواره ای بدهند که یادآور چهل سال زیستن زیر آفتاب سوزان، سرما، باد و باران است؟

با یادآوری این همه، پس چرا باید احساس شادمانی کنیم؟

چه معجزه ای در آن بود؟ پسخ و شاووعوت یادآور معجزه ها هستند. اما سفر در بیابان تنها با خانه های موقت نه معجزه بود و نه امری شگرف. این کاری است که صحرائشینان انجام می دهند. آنها باید چنین کنند. در سفر هستند. تنها می توانند سرپناهی موقت داشته باشند. از این نظر، تجربه بنی اسرائیل هیچ نکته خاصی نداشت.

با توجه به همین امر، ربی الیعزر¹ بر آن بود که سوکا [سایبان] نماد ابرهای جلال الهی یا *ananei kavod* بود که بنی اسرائیل را در طول این سال ها همراهی و آنها را از گزند گرما و سرما و دشمنان محافظت و در راه هدایت می نمود. این پاسخی خوب و تخیل آمیز برای حل مسئله است: معجزه ای را مشخص نموده، توضیح می دهد که چرا باید جشنواره ای را برای یادآوری آن اختصاص داد. از این رو است که راشی و رامبام معنای آیه را چنین تفسیر می کنند.

با این همه، دشواره از میان نمی رود. سوکا [سایبان] هیچ شباهتی به ابرهای جلال الهی ندارد. نمی توان چیز دیگری را به جای ابرهای جلال الهی تجسم کرد. ارتباط سوکا و ابرهای جلال

¹ Succah 11b.

الهی نه از تورات، بلکه از کتاب یسعیا نبی برداشت شده و اشاره آن نه به گذشته، بلکه به آینده است:

سپس خداوند بر فراز کوه صیون و همه آنانی که آنجا گرد می آیند، ابری از دود در روز و درخشش شعله آتش در شب خواهد آفرید؛ جلال الهی بر فراز همه چیز سایه خواهد گسترده. سایانی سایه گستر برای در امان بودن از گرما در روز و آشیانه و پناهگاهی از گزند توفان و باران خواهد بود. (یشعیا ۴:۵-۶)

ربی عقیوا با نظر ربی الیعزر مخالفت کرده، می گوید که سوکا همان است که گفته می شود: یک سرپناه، سایبان و سکونتگاه موقت.² از نظر ربی عقیوا چه معجزه ای در کار بود؟ هیچ راهی برای یافتن پاسخ وجود ندارد. ولی می توانیم حدس بزنیم.

اگر بنا به دیدگاه ربی الیعزر، سوکا نماد ابرهای جلال الهی است، پس گرامیداشت یک معجزه الهی است. اگر بنا به دیدگاه ربی عقیوا سوکا نماد هیچ چیزی جز خودش نباشد، پس گرامیداشت معجزه ای انسانی است که یرمیا از آن سخن گفت: "پس خداوند چنین گفت:

² Succah 11b.

سرسپردگی دوران جوانی تو را به یاد خواهم آورد و اینکه چگونه مانند یک محبوب مرا دوست داشتی و در بیابان و در گذر از زمینی نامسکون از من پیروی کردید" (یرمیا ۲:۲).

بنی اسرائیل شکایت و شورش کردند، اما از خدا پیروی نمودند. آنها مانند ابراهیم و سارا سفر در جهان ناشناخته را در پیش گرفتند.

اگر دیدگاه ربی عقیوا را دنبال کنیم می توانیم به حقیقتی ژرف در مورد ایمان برسیم. ایمان همان یقین نیست. /ایمان شهادت زیستن با عدم قطعیت /است. تمام مراحل خروج از مصر با دشواری های واقعی و خیالی همراه بود. این امر پیام های تورات را بسیار نیرومند می سازد. تورات زندگی را از آنچه هست، آسانتر جلوه نمی دهد. جاده سرراست نیست و مسیر طولانی است. رویدادهای غیرمنتظره اتفاق می افتند. بحران ها ناگهان سربر می آورند. اهمیت دارد که در حافظه انسان ها شناختی از دست و پنجه نرم کردن با ناشناخته ها وجود داشته باشد. خدا با ما است و به ما شهادت لازم را می دهد.

هر سوکایی به این معنا است که خدا به ما چنین یادآور می شود: گمان نبر که برای احساس امنیت به دیوارهای مستحکم نیاز داری. من نیاکان شما را از بیابان عبور دادم تا هرگز سفر ناگزیر و موانع راهی را که برای رسیدن به این سرزمین باید پشت سر می گذراندند، فراموش

نکنند. او گفت: "من وقتی بنی اسرائیل را از زمین مصر خارج کردم، آنها را به زندگی در سایبان ها واداشتم" (لاویان ۲۳:۴۳). در آن سایبان ها بنی اسرائیل که شکننده و بی پناه در برابر عوامل طبیعی بودند، شهادت زندگی در عدم قطعیت را آموختند.

ملت های دیگر داستان هایی گفته اند تا قدرت خود را به نمایش بگذارند. آنها کاخ ها و قصرها را برای بیان شکست ناپذیری خود ساختند. یهودیان متفاوت بودند. آنها با خود، داستانی از عدم قطعیت ها و خطرهای تاریخ حمل کردند. آنها از سفر نیاکان خود در بیابان، بدون خانه، سرپناه و حفاظ در برابر عوامل طبیعت سخن گفتند. این داستانی است از قدرت روحانی و نه نظامی.

سوکوت گواهی است بر بقای ملت یهود. حتی اگر سرزمین خود را از دست بدهد و در بیابان گرفتار آید، نه ایمان و نه امید خود را از دست نخواهد داد. به یاد خواهد آورد که سالیان دور، ملتی بوده که در سایبان ها، سرپناه های موقت و گشوده به عوامل طبیعی می زیسته است. خواهند دانست که در بیابان هیچ اردوگاهی، همیشگی نیست. آنقدر سفر خواهند کرد تا دوباره به سرزمین موعود برسند: به اسرائیل، خانه خود.

اتفاقی نیست که یهودیان تنها ملتی هستند که در طول دوهزار سال تبعید و پراکندگی دوام آورده، هویت و انرژی خود را نگه داشتند. آنها تنها ملتی هستند که می توانند در آلونکی با سقف برگها زندگی کنند و همچنان خود را در پناه ابرهای جلال الهی احساس کنند. آنها تنها مردمی هستند که می توانند در سکونتگاه های موقت باشند و همچنان شادمانی کنند.

اقتصاددان جان کی، و فرماندار سابق بانک انگلیسی، مروین کینگ به تازگی کتابی منتشر کرده اند به نام *عدم قطعیت / انقلابی*.³ در این کتاب تمایزی می گذارند میان ریسک که محاسبه شدنی است و عدم قطعیت که قابل محاسبه نیست. استدلال می کنند که مردم بیش از اندازه به محاسبات احتمالات تکیه کرده اند، ولی از این واقعیت غافل مانده اند که ریسک ممکن است از منبع کاملاً ناشناخته ای برخیزد. شیوع ناگهانی ویروس کرونا در همان روزهای انتشار این کتاب اثباتی بر این دیدگاه بود. انسان ها می دانستند که امکان یک بیماری جهانگیر هست. اما هیچ کس نمی دانست چگونه خواهد بود، از کجا برخواید خاست، با چه سرعتی شیوع خواهد یافت و چه تعداد قربانی خواهد گرفت. آنها می گویند که مهمتر از محاسبه احتمالات، درک شرایط و پاسخ به این پرسش است: "چه شرایطی حاکم شده است؟"⁴ آنها

³ John Kay and Mervyn King, *Radical Uncertainty*, Bridge Street Press, 2020.

⁴ The authors derive this idea from Richard Rumelt, *Good Strategy/Bad Strategy*, Crown, 2011.

می گویند این را هرگز نه با آمار و احتمالات، بلکه با روایت و گفتن یک داستان می توان پاسخ داد.

سوکوت دقیقاً همین ویژگی را دارد. داستانی است درباره شرایط عدم قطعیت. به ما می گوید که می توانیم هر چیزی را بدانیم، اما همچنان نمی دانیم فردا چه خواهد شد. زمان، سفری در بیابان است.

در رش هسانا و یوم کیپور دعا می کنیم که نام ما در دفتر زندگی نوشته شود. در سوکوت شادمانی می کنیم، زیرا به باور ما می توانیم پاسخی مثبت برای دعاهاى خود دریافت کنیم. اما در برابر آغاز سال جدید، از همان ابتدا می پذیریم که زندگی به شکل های گوناگون، شکننده و آسیب پذیر است. نمی دانیم که سلامتی، شغل و معاش ما چگونه خواهد بود یا برای جامعه و دنیا چه اتفاق هایی رخ خواهد داد. نمی توانیم از رویارویی با خطر بگریزیم. زندگی همین است.

سوکا نماد زندگی در شرایط پیش بینی ناپذیر است. سوکا جشنواره عدم قطعیت بنیادی است. اما، درست همان گونه که دو نویسنده، کی و کینگ، پیشنهاد می کنند آنرا در چارچوب یک روایت قرار می دهد. به ما می گوید هرچند که در بیابان سفر می کنیم، اما همچون یک ملت

به مقصد خواهیم رسید. اگر زندگی را از دریچه چشم ایمان نگاه کنیم، خواهیم دانست که در پناه ابرهای جلال الهی قرار داریم. آن گاه، در میانه عدم قطعیت خود را قادر به شادمانی می یابیم. برای حفاظت از خود به هیچ قلعه ای و برای نشان دادن شکوه خود به هیچ قصری نیاز نداریم. یک سوکای محقر بس خواهد بود، زیرا وقتی درون آن می نشینیم، در فضایی هستیم که کتاب زوهر آنرا "سایان ایمان" می نامد.

من باور دارم که تجربه خروج از محیط محفوظ خانه و ورود به سوکای بی در و پیکر، راهی است برای چیره شدن بر ترس ما از ناشناخته ها. به ما می گوید: ما پیش از این در چنین شرایطی زیسته ایم. ما همه مسافران یک سفر هستیم. جلال الهی با ما همراه است. نباید بترسیم. این سرچشمه ای است برای مقاومتی که در دنیای به هم پیوسته، پرخطر و به شدت نامطمین امروز به آن نیاز داریم.

شبات شالوم

Jonathan Sacks

The Office of Rabbi Sacks

برای دیگر آثار رای ساکس لطفاً از این تارنما بازدید فرمایید - www.rabbisacks.org
کلیه حقوق محفوظ است • دفتر رای ساکس توسط بنیاد عهد و گفتگو حمایت می شود

*ترجمه فارسی با مشارکت بنیاد ایرانی هارامبام، وابسته به فدراسیون یهودیان ایرانی-آمریکایی توسط
شیریندخت دقیقیان Persian Translation by Shirin D. Daghighian